عکس: آیدین رهبر

طرح‌هایی که محکوم به شکست هستند

زنان آسیب دیده‌ای که رها شدند

سمیه جاهدعطائیان: صدای گریه‌های تعدادی از زنان بهبودیافته از اعتیاد در سالن سینما به گوش می‌رسد. آنها خانه تعطیل‌شده‌شان را که بیش از سه سال در آنجا زندگی می‌کردند، در مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست» می‌دیدند و در سالن نجوا و گریه می‌کردند. اتاق‌های مرکز «نور سپیده»، خوابگاه و جزئیات این خانه را که می‌دیدند، اشک می‌ریختند. آنها فقط همین تصاویر را از خانه‌شان به یادگار دارند. بعد از آنکه پارک شوش حصارکشی شد، این خانه هم تعطیل و درهای حمایت آن برای همیشه به روی مددجویان بسته شد. «زهرا» یکی از مددجویان به مبلغ ناچیزی خریدوفروش شد و با کمک دادستانی ۴۸ ساعت بعد پیدا می‌شود. از تمام این صحنه‌ها فیلم‌برداری شده و مستندات آن موجود است، اما جای آن در مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست» خالی بود. صدای کوتاه و بریده‌بریده گریه‌های یک زن که در سالن تاریک به گوش همه رسید، به خاطر دیدن تصاویر یکی از مددجوها روی پرده سینما بود که بعد از تعطیلی مرکز به دلیل مصرف‌نکردن دارو و رسیدگی‌نشدن به وضعیتش، در سرویس بهداشتی شوش فوت کرد. سرنوشت بقیه مددجوها هم به سرنوشتی بهتر از این ختم نشد. مددجوهایی که زمانی در مرکز «سپیده» زندگی می‌کردند و حالا تنها تصاویری از آنها در قاب‌هایی از این مستند موجود و به یادگار مانده بود. دانشجویی بعد از اکران با بغض می‌گوید: «الان زمان نقد هنری این مستند نیست. حالا باید پرسید چرا این مرکز با تمام خدمات مفید و قابل دفاعش تعطیل شد. زمان مراجعه به این مرکز تعدادی بدلیجات به یکی از مددجوها داده بودم و آن مددجو تعداد دیگری هم درخواست کرده بود که به او گفتم باقی برای بچه‌های دیگر است؛ درحالی‌که باقی و مددجوهای دیگری در کار نبود و من اصلا نمی‌دانستم که این مرکز در حال تعطیلی است و می‌خواستم تقاضای فعالیت داوطلبانه در این مرکز بدهم». این مستند حقایقی از زندگی زنان دارای اعتیاد را که در پاتوق‌های شبانه و کانال‌های زیرزمینی زندگی می‌کنند، به تصویر می‌کشد. از زندگی زیرزمینی و شبانه بسیاری از زنان می‌گوید که نمی‌خواهند با اجبار از زندگی فعلی‌شان نجات پیدا کنند. از تلاش انجمن و مرکزی برای دلجویی از این زنان، حمایت و تلاش‌شان برای ترک اعتیاد روایت می‌کند.

شاهد سیر صعودی آسیب‌های اجتماعی هستیم

«احمد بخارایی» جامعه‌شناس، در پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» مبنی بر اینکه آیا سیاست برخورد قهری و اعمال قوانین سخت‌گیرانه نسبت به فعالیت انجمن‌های مردمی فعال در حوزه کاهش آسیب مثل مراکزی مانند «خانه خورشید» و «مرکز کاهش آسیب نور سپید هدایت» سیاست قابل قبول و درستی در زمینه کاهش معضلات اجتماعی بوده، تأکید می‌کند: «ما در دهه‌های اخیر شاهد تدوین سیاست یا تصمیم‌گیری‌های متعددی در زمینه مسائل پیچیده اجتماعی بودیم، اما اینکه این سیاست‌ها در عمل چگونه اجرائی می‌شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است. آنچه در عمل مشاهده می‌کنیم، چیزی جز افزایش نابهنجاری‌ها، انحرافات و مشکلات زیرپوستی در جامعه مانند کارتن‌خوابی، بی‌خانمانی و به‌ویژه اعتیاد زنان نیست. پس سیاست‌های در پیش گرفته فعلی در برابر فعالیت‌های داوطلبانه و نهادهای مردمی اعتبار کاربردی نداشته و در بستری بدون پشتوانه تحقیقی و بدون مجری متخصص عملیاتی می‌شود. به همین دلیل در این بستر و زمینه اگرچه اعتبارات و قوانینی تدوین می‌شود، اما در عمل شاهد سیر صعودی معضلات هستیم».

زنان زودتر از مردان درگیر سوءمصرف مواد مخدر می‌شوند

«بخارایی»، استاد دانشگاه که در نشست بررسی مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست» سخن می‌گوید، با اشاره به انگ‌های پابرجای جامعه در حوزه اعتیاد زنان می‌گوید: بر اساس آمارهایی که از سوی مجامع بین‌المللی اعلام شده است، متوسط سال‌هایی که یک زن تجربه اولین مصرف را داشته تا زمانی که به صورت دائم به مصرف‌کننده تبدیل می‌شود، دو سال بوده و این زمان برای مردان هشت سال است؛ یعنی زنان مصرف‌کننده مواد مخدر، متأثر از عوامل مختلفی از جنبه‌های فردی، روان‌شناختی و اجتماعی، شش سال زودتر از مردان مصرف‌کننده وارد گردونه و چرخه آسیب‌پذیری جدی حاصل از سوءمصرف مواد مخدر می‌شوند. ساختار خانواده از منظر جامعه‌شناسان مورد توجه قرار دارد. این خانواده بازتابی از فرهنگ بیرونی بوده و این‌گونه نیست که الگوهای رفتاری یک خانواده یک‌شبه خلق یا متولد شده باشد و از صحنه تعاملات اجتماعی خارج شود، بلکه این الگوها بازتابی از فرهنگ مردسالارانه موجود در جامعه است که این فرهنگ امروز به اوج خود رسیده است. زنان در این فرهنگ مردسالارانه که در ساختار حقوقی و تعاملات اجتماعی نیز تقویت شده است، از زمان کودکی تا بزرگسالی به‌شدت آسیب می‌بینند».

بازگشت زنان پس از بهبودی از اعتیاد به خانه سخت‌تر از مردان است

او با اشاره به آسیب و زخم‌های پنهان زنان در جامعه مردسالارانه ادامه می‌دهد: «روان‌شناس معروفی که کار روان‌درمانی را در خارج از کشور انجام می‌داد، اعلام می‌کرد حدود ۷۰ درصد از زنان ایرانی تحصیل‌کرده که برای مشاوره می‌آمدند، در جلسات روان‌کاوی درباره تجربه آزار جنسی به دست یکی از نزدیکان در زمان کودکی افشاگری می‌کردند. پس تمام این آسیب‌ها از زمان کودکی و در یک خانواده شروع شده است و بعد از آن چالش‌های بیرونی مثل نبود رفاه و حمایت‌های اجتماعی، بی‌کاری، آمار بالای طلاق که بار را روی دوش زن سرپرست می‌اندازد و... باعث می‌شود زنان بیشتر آسیب دیده و در معرض آسیب باشند. خروجی مجموعه‌ای از این حلقه‌های رهاشده در جامعه مردسالارانه، عاملی برای افزایش آمار اعتیاد زنان و افزایش سرعت آسیب‌پذیری آنها از این معضل بوده است. چنانچه می‌بینیم بازگشت زنان پس از قطع مصرف و بهبودی از مصرف مواد مخدر به خانه و خانواده بسیار سخت‌تر از مردانی است که ترک اعتیاد دارند».

تبعات برچسب سیاه‌نمایی به نتایج تحقیقات اجتماعی

«بخارایی»، جامعه‌شناس، به این سؤال که تعدد دستگاه‌های متولی در امر اعتیاد به‌ویژه اعتیاد زنان مثل سازمان بهزیستی، ستاد مبارزه با مواد مخدر، شهرداری و... می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی شود، پاسخ می‌دهد: «مسئله مهم و کلانی که کشور را از دهه ۵۰ تا به امروز درگیر مسائل عدیده اجتماعی و ریشه‌دار کرده، به‌کارنگرفتن نیروهای متخصص و گزینشی برخوردکردن با نیروهاست. نیروها در حوزه‌های مختلفی مثل ستاد مبارزه با مواد مخدر، دفاتر امور اجتماعی وزارت کشور، سازمان بهزیستی، معاونت اجتماعی شهرداری و هر نهادی که مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل زنان و به‌ویژه آسیب‌های این حوزه ازجمله اعتیاد سروکار دارند، از افراد متخصص و باتجربه نیستند که شناخت همه‌جانبه و کاملی از معضلات داشته باشند. وقتی در بدنه سازمان‌هایی که به حوزه زنان می‌پردازند، افراد متخصص وجود نداشته باید، به نتایج تحقیقات اجتماعی جامعه‌شناسان و فعالان اجتماعی که لایه‌های پنهان و آسیب‌زای یک جامعه را نشان می‌دهد، برچسب تشویش‌گری و سیاه‌نمایی زده شده و شاهد خروجی مطلوبی از این سازمان نخواهیم بود».

آسیب‌پذیری زنان در خانه و جامعه مردسالار

«روشن است که حتی اگر یک جوان کم‌سن‌وسال هم در فضای مجازی چرخی بزند، به اندازه‌ای که من به‌عنوان یک جامعه‌شناس ادعا دارم و ابراز نگرانی می‌کنم، متوجه رشد آمار آسیب‌ها و پدیده‌های اجتماعی نوظهور و ریشه‌دار می‌شود. بی‌کاری، اعتیاد، خودکشی و سایر آسیب‌های اجتماعی در ایران رشد داشته و درحال‌حاضر مشکل اصلی ما این نیست که دائم از علت این رشد بپرسیم؛ چراکه مطابق با مباحثی در جامعه‌شناسی، تکرار این دانسته و آگاهی‌ها می‌تواند آن را عادی کند». «بخارایی»، فعال اجتماعی، این نکات را مطرح کرده و تصریح می‌کند: «تکرار یک نابهنجاری می‌تواند آن را به هنجار تبدیل کند. قبح رشوه و فساد یا بسیاری از آسیب‌ها با تکرار و صحبت درباره آن ریخته می‌شود که این اوج معضلات یک جامعه است. همان‌طور که وقتی ما در سرمای زمستان به‌راحتی از کنار کارتن‌خوابی رد می‌شویم و در نهایت زیر لب می‌گوییم «خدا به او رحم کند و...» همان عادی تلقی‌کردن آسیب‌های اجتماعی است که به نوعی فرد آسیب‌دیده را مقصر اصلی دانسته و تلاش می‌کنند او را جدا و به دور از جامعه درمان کنند. درحالی‌که جامعه و عوامل بیرونی آن در بروز و ظهور آسیب‌ها تأثیر زیادی دارند که باعث تبدیل یک کنش به واکنش می‌شوند. یک زن بعد از آسیب‌دیدن در درون خانواده مردسالار، گزینه یا چاره‌ای جز ماندن و خوابیدن در خیابان ندارد. در خیابان هم نظام رفاهی و حمایتی وجود ندارد و به دنبال کارتن‌خوابی، خیابان‌خوابی و آسیب‌دیدگی بیشتر، به درون خودش فرومی‌رود، درگیر نگرانی، تنهایی، افسردگی، خشم و در نهایت اعتیاد و خودکشی می‌شود».

بی‌توجهی و ندیدن دلایل پنهانی آسیب اجتماعی در زنان

درعین‌حال «مریم کثیری»، روان‌شناس و فعال رسانه نیز در این نشست با اشاره به اینکه رسانه تا چه اندازه در حوزه پرداختن و انعکاس آسیب‌ها نقش داشته، با تأکید بر اینکه چرخه آسیب چرخه‌ای نیست که از یک نقطه مشخصی شروع شده باشد و رسانه یا هر سیاست‌گذاری برای انجام کار مدیریتی روی آن دست بگذارد، چرخه آسیب برای بسیاری از زنان در سرزمین ما از زمان تولد شروع می‌شود، ادامه می‌دهد: «برای اولین بار که درِ زندان زنان به رویم باز شد، در محوطه زندان صحنه‌های دردناکی دیدم. اسباب‌بازی‌های کودکانه‌ای رها شده بود که برای من این سؤال را به همراه داشت که مگر زندان جای بچه‌ها است؟ بعد از آن بچه‌های قدونیم‌قدی را در زندان دیدم، بچه‌هایی که در زندان متولد می‌شوند و در دو سال اول زندگی‌شان که تمام ابعاد شخصیتی و هویتی‌شان شکل می‌گیرد، در داخل زندان بزرگ می‌شوند. چرخه آسیب آن کودک و کودکان مشابه دیگر به صورت ناخواسته از همان‌جا شروع می‌شود. در زندان کودک چهارماهه شیرینی دیدم که مادرش می‌گفت پدر بچه قرار است جرم مواد مخدری را که همراه من بوده، بر عهده بگیرد و زمانی که پرونده این مادر را نگاه کردم، نام و نشانی از هیچ مرد یا پدری پیدا نکردم. این نوزاد به‌راحتی بعد از سپری‌شدن سن قانونی به بهزیستی واگذار می‌شود. این کودکان در فرایند بزرگ‌شدن و جامعه‌پذیری‌شان دچار آسیب‌هایی می‌شوند که عموما به آن دلایل پرداخته نشده و مورد توجه قرار نمی‌گیرند».

نگاه فانتزی رسانه و مدیران به آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان

این فعال رسانه‌ای با اشاره به موارد متعددی از مواجه‌شدن با افراد آسیب‌دیده اجتماعی که چرخه آسیب را از زمان کودکی و در خانواده تجربه کردند، یادآور می‌شود: «وقتی وارد مرکز امین‌آباد و مرکز نگهداری بیماران روانی می‌شوید، سوله‌های موقت یا دائمی وجود دارد. دو طرف اتاق‌هایی هست که بیماران روی تخت‌ها بستری هستند و وسط سالن دو اتاق بسیار کوچک یک‌ونیم در دو متری انفرادی و با فاصله کمی از یکدیگر بدون هیچ نوری و حصارشده از میله‌های آهنی وجود دارد که فرد آنجا نگهداری می‌شود. دختری هم‌نام و هم‌سن خودم آنجا به مدت شش ماه زندگی نباتی داشته و بعد از شش ماه در همان سوله مقیم بود. این دختر در فرایند بزرگ‌شدن، از سوی پدر مورد خشونت قرار گرفته و به تعدد به مردهای دیگر فروخته می‌شده است. بسیاری از دختران و زنانی که در مرکز امین‌آباد بستری بودند، از ابتدا بیمار نبوده و اتفاقاتی که در فرایند زندگی برایشان رخ داده، آنها را به بیمارانی تبدیل کرده که باید تا آخر عمرشان آنجا تحت مراقبت زندگی کنند، دیده نشوند و صدایشان به جایی نرسد». «کثیری» با بیان اینکه دلایل آسیب‌دیدگی برای زنان بسیار متعدد و ریشه‌ای بوده، ادامه می‌دهد: «ما مهم‌تر از هر مسئله‌ای به ثبات مدیریتی نیازمند هستیم. بعضی از آسیب‌ها آن‌قدر ریشه‌ای، عمیق و دلایل بنیادی و پنهانی دارد که نمی‌توان آنها را به دست مدیرانی که دائم تغییر می‌کنند، سپرد. اما در کشور ما با وجود آسیب‌های ریشه‌ای، مدیران دائم در حال تغییر بوده و سلایق متعدد و متنوع در برابر آسیب‌ها اعمال می‌شود. مدیری که تجربه زیستی و نزدیکی با کارتن‌خواب‌ها و زندگی زیرزمینی نداشته باشد، در حوزه این آسیب‌ها تصمیمات فانتزی می‌گیرد. همان‌طور که می‌بینیم رسانه‌ها نیز در حوزه مشکلات زنان، نگاه فانتزی دارند».

همدلی نه اجبار برای ترک اعتیاد و کارتن‌خوابی

«یک زن قبل از رسیدن به ته خط تمام راه‌هایی را که به این نقطه ختم می‌شده، تجربه و زندگی کرده است. برگرداندن این زن به زندگی بسیار دشوار است. واقعیت این است که یک زن بسیار راحت در این جامعه آسیب می‌بیند و در معرض آسیب فراوان است، اما وقتی آسیب می‌بیند، با وجود تمام مقاومت و ایستادگی از یک جایی به بعد فرومی‌ریزد. درست در همین شرایط مددکاران اجتماعی تلاش می‌کنند تا با همدلی و نه با اجبار آنها را به زندگی برگردانند...». این نکات را «مریم کثیری»، روان‌شناس و فعال حوزه رسانه، عنوان کرده و با اشاره به ضرورت حضور متخصص در برخی جایگاه‌های اجتماعی حساس می‌افزاید: «مدیریت زندان فردیس در سال ۹۴ برای نخستین بار به جای یک فرد امنیتی به یک روان‌شناس واگذار شد. زنان تا قبل از آن وقتی آزاد می‌شدند، چرخه جرم و بزه را از زمانی که اولین گام‌های خروج از زندان را برمی‌داشتند، تجربه می‌کردند. تا زمانی که کارهای اداری ترخیص انجام شود، از ساعت چهار به بعد، زنان بیرون می‌رفتند و گرفتار آسیب‌هایی می‌شدند. مدیر آن زندان خیر و نیکوکاری پیدا کرد که به جای تهیه غذا و کارهای داوطلبانه دیگر، تعدادی تاکسی در حیاط زندان مجهز کرد تا زنان پس از سپری‌کردن دوران حبس، از طریق این خودروها به صورت امن تا رسیدن به خانه همراهی شوند یا به همت این مدیر فرایند نگهداری یا مهارت‌آموزی زنان پس از ترخیص نیز به وسیله مددکاران فراهم شد. این مدیر به حکم تخصص و آشنایی‌اش با مسائل اجتماعی و آسیب‌های روبه‌رشد، موقعیت را موشکافی کرده و نگاه فانتزی به مسائل نداشت».

برنامه‌های اجباری ترک اعتیاد شکست می‌خورند

به گزارش خبرنگار «شرق»، سپیده علیزاده، مدیر مرکز کاهش آسیب «نور سپیده هدایت» نیز پس از اکران مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست»، با صحبت از تعطیلی این مرکز و رهاشدن مددجویان آن از چرخه حمایت می‌افزاید: «مؤسسه با مجوز بهزیستی و همراهی شهرداری فعالیت داشت که با تغییر مدیران سازمان و تغییر سلایق، رویکردها یا دغدغه‌مندی‌ها، تعطیل شد. برای من که حدود ۱۸ سال از عمرم را برای کاهش آسیب سپری کردم تا آدم‌های ته‌خطی را امیدوار کنم و به زندگی برگردانم و به آنها ثابت کنم این امکان وجود دارد که به زندگی برگردند، بسیار دشوار است که این مرکز را فراموش کنم و نمی‌توانم از سیاست‌های اشتباه اعمال‌شده در حوزه کاهش آسیب نگران نشوم».

این فعال اجتماعی در حوزه زنان آسیب‌دیده اجتماعی با انتقاد از برنامه‌های اجباری ترک اعتیاد، برنامه‌های ماده ۱۶ و دستگیری افراد بی‌خانمان و کارتن‌خواب که درحال‌حاضر اعمال می‌شود، ادامه می‌دهد: «واقعیت این است که با گذشت زمان برنامه‌های کاهش آسیب ضعیف و کم‌رنگ‌تر شده و تمرکز سازمان بهزیستی، شهرداری و... به سمت درمان‌های اجباری ترک اعتیاد رفته است؛ یعنی اقداماتی که روی کاغذ آمده و برایش بودجه گرفته شده، اما در نهایت به شهادت و تجربه افرادی که از نزدیک با این معضلات سروکار داشتند، خروجی مشخصی نداشته است. برنامه‌های روی کاغذ آمده توسط کارشناس باتجربه عملیاتی نمی‌شود. متخصصی پای کار نمی‌آید که به مسائل پنهان یا زوایای عمیق آشنا باشد. درحالی‌که با تأکید بر درمان‌های اجباری، تنها معتادان بیشتری را به کمپ منتقل کرده و به آنها انگیزه‌ای برای ترک داده می‌شود. از آنها بعد از ترک حمایت همه‌جانبه نمی‌شود. فردی قبل از ترک اعتیاد، دندان‌درد داشته و بعد از پاکی هم با دندان‌درد ترخیص می‌شود. یا اگر آن فرد شناسنامه‌ای نداشته، برای گرفتن شناسنامه المثنی اقدام نشده و این فرد همچنان بدون کمک و داشتن هویت رها می‌شود و دوباره به چرخه آسیب و اعتیاد یا جرم برمی‌گردد».

مرکزی برای پذیرش زنان طردشده نداریم

علیزاده با اشاره به سختی‌های کار در حوزه اعتیاد زنان به دلیل چندوجهی و پیچیده‌بودن این آسیب‌ها و ضرورت داشتن مراکز امنی برای پذیرش بانوان آسیب‌دیده در کشور ادامه می‌دهد: «حدود سه سال پیش برای انجام یک کار مددکاری به یک کمپ مردانه رفتم و به دلیل تجربه کاری در حوزه زنان و این دیدگاه که آنها هم مثل زنان به سختی در خانه و خانواده پذیرش می‌شوند، در آنجا با مردان بهبودیافته از اعتیاد صحبت کردم، اما آنها هیچ نگرانی یا مشکلی برای برگشتن به خانه نداشتند و می‌گفتند چرا نباید ما را در خانه بپذیرند؟ در این حوزه میان زنان و مرد تفاوت زیادی وجود دارد. ما نگران ترخیص یک زن هستیم که بعد از آن در خانواده درگیر چه معضلات و حواشی‌ای می‌شود. به همین دلیل و با وجود انگ، تبعیض و مسائل فرهنگی باید مراکزی ویژه زنان طردشده داشته باشیم که بعد از بهبودی از آسیب در آن مراکز پذیرش شوند».

آسیب‌ها در مستند حذف اما در واقعیت جامعه حذف‌شدنی نیستند

محسن اسلام‌زاده، کارگردان و تهیه‌کننده مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست» نیز در حاشیه اکران این مستند با ابراز تأسف و نگرانی از تعطیلی مرکز «نور سپیده هدایت» که در حوزه زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب فعالیت داشت، تأکید می‌کند: «مدیر این مرکز حساسیت داشت که تا قبل از ساعت دو نیمه‌شب به این پاتوق‌ها نرویم؛ چراکه زنان کارتن‌خواب و بی‌خانمانی که جایی برای خوابیدن ندارند، از ساعت دو شب به بعد به پاتوق‌ها یا کانال‌های زیرزمینی و فاضلابی می‌آیند. این شناخت و نزدیکی به آسیب در حوزه زنان در این مدیر اهمیت زیادی داشت؛ به همین دلیل در بسیاری از نشست‌ها به مسئولان، دغدغه‌مندان و مراکز پژوهشی توصیه دارم که با حضور افراد متخصص و آشنا با آسیب زنان در این حوزه وارد شوند. اما متأسفانه تصمیم‌گیرندگان در زمینه معضلات و آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه بحث اعتیاد، نمی‌خواهند یک نفر را نجات دهند، بلکه می‌خواهند همه را با هم نجات داده و تنها در این حوزه آمارسازی کنند».

این مستندساز با اشاره به سانسور، مشکلات و خط قرمزهایی که در مدت فیلم‌برداری و اکران با آن روبه‌رو بود، می‌افزاید: «فیلم، روایت‌ها و مستندهای واقعی و دردناک زیادی داشت که باید حذف یا سانسور می‌شد. درحالی‌که این معضلات در جامعه عمیق و حذف‌نشدنی است. آسیب‌هایی که یک زن را کارتن‌خواب کرده و به اعتیاد می‌کشاند، بسیار متعدد و عمیق است. ما امیدوار بودیم تا وزارت کشور بعد از دیدن مرکز، به قولش در این زمینه عمل کند که در ترمینال جنوب و مناطق جنوبی تهران بنری برای اطلاع‌رسانی از وجود مرکزی برای افراد بی‌خانمان جانمایی کند تا دختری که به هر دلیلی از خانه خارج شده، به تهران آمده و قصد بازگشت ندارد، در این خانه امن نگهداری شده و پناه بگیرد؛ چراکه دختران زیادی به هر دلیلی خودشان را به بهشت دروغینی با نام تهران می‌رسانند و درگیر آسیب می‌شوند. اما متأسفانه وزارت کشور برای اطلاع‌رسانی و اقدام در این زمینه کاری نکرد».

به گزارش خبرنگار «شرق» مستند «هیچ‌کس منتظرت نیست» پس از اکران در شهر مشهد، روز گذشته در سینما آزادی پایتخت با حضور جامعه‌شناسان، فعالان اجتماعی و تعدادی از زنان بهبودیافته از مواد مخدر اکران شد. ابهام از فعالیت و تعطیلی مرکز نور سپید هدایت در این مستند مهم‌ترین و تأسف‌بارترین بخش پایانی این مستند بود. حالا از میان بیش از ۲۰۰ مددجوی این مرکز، تنها ۲۰ نفر از زنان بهبودیافته در یک ساختمان دوطبقه زیر یک سقف کنار یکدیگر زندگی، مهارت‌آموزی و کارآفرینی می‌کنند. کاش مسئولان، تصمیم‌گیرندگان، سیاست‌گذاران و بودجه‌ریزان با دیدن این مستند آگاه‌تر شوند.

وارونگی دمای بی‌سابقه تهران

ایسنا: معاون نظارت و پایش حفاظت محیط زیست استان تهران ضمن اشاره به پیش‌بینی‌پذیربودن افزایش شاخص آلاینده‌های بالای ۱۵۰ در فصل زمستان با توجه به سال‌های گذشته گفت: ما به‌عنوان محیط زیست معتقدیم امسال با شرایط خاصی به جهت طولانی‌بودن وارونگی دما (اینورژن) مواجه هستیم. زهره عبادتی ادعای برداشتن مقطعی پلمب نیروگاه‌هایی را که قابلیت مازوت‌سوزی دارند، رد و اظهار کرد: در تهران تنها نیروگاه بعثت قابلیت استفاده از سوخت مازوت را دارد که از سال ۹۸ پلمب است. می‌توانید هم‌اکنون از شرکت گاز نیز بپرسید تا مطمئن شوید گاز این نیروگاه قطع شده است یا خیر؟ من این ادعا را کامل رد می‌کنم؛ چراکه تصمیم بر این بوده است در تهران گاز مورد نیاز نیروگاهی که قابلیت مازوت‌سوزی دارد، تأمین شود و از زمان پلمب تاکنون هم مازوت‌سوزی نداشته‌ایم. معاون نظارت و پایش حفاظت محیط زیست استان تهران در پاسخ به سؤال ایسنا که آیا سوخت پرگوگرد علت افزایش آلاینده دی‌اکسید گوگرد است، توضیح داد: در استان تهران سوخت استاندارد توزیع می‌شود؛ اما بسیاری از خودروهای سنگین حمل بار و مواد اولیه که در بزرگراه آزادگان و کمربندی‌های اطراف تهران تردد می‌کنند، داخل تهران سوخت‌گیری انجام نمی‌دهند. واقعیت این است که سوخت توزیع‌شده در کل کشور استاندارد نیست و احتمال سوزاندن سوخت غیراستاندارد به وسیله این خودروها وجود دارد. به این جهت آلایندگی آنها در شرایط وارونگی دما می‌تواند به افزایش دی‌اکسید گوگرد نیز کمک کند.

چرا دوباره هوای تهران آلوده شد؟

او درباره علت آلودگی اخیر هوای تهران افزود: علت اصلی آلودگی هوای تهران در سال جاری، پدیده وارونگی دما (اینورژن) به صورت طولانی‌مدت است که البته یک پدیده کاملا طبیعی است. در سال‌های گذشته تداوم اینورژن به این شکل نبوده است. به‌عنوان نمونه دو تا سه روز در چنین شرایطی بودیم و پس از سه روز ناپایداری جوی ایجاد می‌شد و از شرایط اینورژن خارج می‌شدیم. عبادتی به مدت‌زمان وارونگی دما در سال جاری اشاره کرد و توضیح داد: ۱۴ روز متوالی در آذرماه سال جاری پدیده وارونگی دما را داشتیم که بی‌سابقه بوده است و اکنون نیز در دی‌ماه در نهمین روز اینورژن قرار داریم. او ادامه داد: در شهر تهران هشت‌میلیون‌و ۱۶۰ هزار نفر و در استان تهران ۱۴ میلیون نفر جمعیت در حال تردد داریم. حدود ۸۰ هزار ماشین‌آلات سنگین در سطح شهر تردد می‌کنند؛ بنابراین حتی اگر هرکدام از این موارد آلاینده‌های خاص خود را به اندازه کم تولید کنند، آلاینده‌ها تجمع پیدا می‌کنند. به گفته عبادتی تداخل اینورژن طولانی‌مدت با فعالیت‌های انسانی یا فعالیت واحدهای صنعتی در مجموع باعث تجمیع غلظت آلاینده‌ها و افزایش شاخص می‌شود. فعالیت‌های انسانی مانند ترددهای معمولی عموم مردم و فعالیت واحدهای صنعتی مانند تردد ماشین‌آلات سنگین، حمل بار و موارد اولیه حتی با وجود خروجی‌های استاندارد هم باعث افزایش غلظت آلاینده‌ها می‌شوند. معاون نظارت و پایش حفاظت محیط زیست استان تهران درباره سابقه افزایش شاخص آلاینده‌ها در این فصل گفت: افزایش شاخص آلاینده‌ها بالای ۱۵۰ در این فصل با توجه به سال‌های گذشته پیش‌بینی می‌شود؛ اما ما به‌عنوان محیط زیست معتقدیم امسال با شرایط خاصی به جهت طولانی‌بودن وارونگی دما مواجه هستیم. او به ارائه راهکارهایی برای کاهش آلودگی هوای تهران پرداخت و گفت: اکنون مهم‌ترین راهکار کمک‌کننده ابتدا از رده خارج‌کردن خودروهای فرسوده است. این خودروها به‌ویژه خودروهای سنگین مقصر اصلی حجم درخور توجهی از آلودگی هوای تهران هستند. سپس موضوع حائز اهمیت توسعه حمل‌ونقل پاک و عمومی است. افزودن اتوبوس‌های دیزلی به ناوگان حمل‌ونقل و خودداری از نوسازی این ناوگان مشکل تهران را حل نمی‌کند. عبادتی در ادامه اظهار کرد: به‌سرعت باید توسعه حمل‌ونقل پاک را در دستور کار قرار دهیم. در نهایت با افزایش دسترسی مردم به حمل‌ونقل عمومی، تردد خودروهای شخصی کمتر خواهند شد و از آلایندگی ناشی از تردد خودرو و اتوبوس‌های فرسوده نیز کاسته می‌شود.